

بررسی تغییرات اقلیمی به عنوان تهدیدی جدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد

حبیب اله فاضلی¹ * علی نامدار² * جواد ابراهیم‌پور³

چکیده

پایان جنگ سرد، فصلی نو در نگرش‌های امنیتی جهان گشود و بازنگری در مفهوم «تهدید و امنیت» را ضروری ساخت. این بازنگری منجر به زایش و رشد رویکردها به امنیت بین‌المللی گردید که بر خصلت چند بعدی امنیت و عوامل شکل‌دهنده و تهدیدکننده آن تأکید می‌کنند. در پارادایم جدید، در کنار متغیرهای نظامی و سخت‌افزاری، مولفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیط زیستی به‌عنوان عواملی در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی عمل کنند. تغییرات اقلیمی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین چالش‌های بین‌المللی در عصر جهانی شدن است. این تغییرات کوچک در دمای زمین می‌تواند منجر به خطر بالقوه‌ای در تغییرات آب و هوایی کره زمین شود. زندگی ما امروزه به تغییرات اقلیمی بستگی دارد. در صحنه بین‌الملل به مرور آثار این تهدیدات در روابط بین کشورها مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال جنگ دارفور را می‌توان به‌عنوان اولین درگیری در حوزه تغییرات اقلیمی دانست. این تهدیدات علاوه بر بروز تنش‌های اجتماعی، نا آرامی‌های سیاسی و مخاصمات خشونت‌آمیز را نیز به دنبال خواهد داشت. این موضوع فراتر از دستورکارهای بین‌المللی در قالب کنوانسیون چارچوبی سازمان ملل متحد و پی‌گیری‌های شخص دبیرکل و بررسی‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در شورای امنیت به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل شناخته شده است.

واژگان کلیدی: تغییرات اقلیمی، صلح و امنیت بین‌المللی، سازمان ملل، دبیرکل سازمان ملل.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی - سال پنجم - شماره بیست‌ویکم - زمستان 95 - صص 68-49

تاریخ دریافت مقاله: 95/3/18 تاریخ پذیرش مقاله: 95/9/28

1. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران (h.fazeli@ut.ac.ir)
2. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)
3. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب

مقدمه

پارگی لایه اوزن و مشکل گلخانه‌ای که یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های دولت‌ها در عصر جدید است تهدیدی است که سلامتی بشر را در کره به صورت یکسان و گسترده به خطر می‌اندازد. این مسئله دیگر در قالب دو دوره قبل قابل طرح نیست. تحصیل امنیت در این مورد برای تمام ملت‌ها به صورت یکسان و برابر مطرح است. نتیجه این مسئله پیامدهای گرم شدن کره زمین، از بین رفتن جنگل‌ها، بارش باران‌های اسیدی، ضایعات سمی آلودگی‌های هوا- دریا و خاک خواهد بود. اجلاس کره زمین در سال 1992¹ با همت سازمان ملل متحد در شهر ریودوژانیرو برزیل با شرکت 178 کشور مؤید این مسئله بود. این اجلاس هشدار داد که محیط زیست یک سیاست کلان و همسنگ با اقتصاد بین‌الملل و امنیت ملی است. این اجلاس کمک کرد تا کانون توجهات از امنیت یک جانبه به سوی امنیت چندجانبه عملاً تغییر جهت دهد به این معنی که اقدامات یک جانبه و ناهماهنگ از سوی کشورها نسبتاً بی‌فایده است یعنی که هر کشوری نیاز به همکاری دیگران دارد تا از محیط زیست خود حفاظت کند. دو وجه مهم امنیت محیطی عبارتند از: 1) تغییر زیستگاه طبیعی انسان، از جمله گرم شدن کره زمین، تخریب لایه ازن و از بین رفتن جنگل‌های بارانی استوایی. 2) آلودگی، شامل باران‌های اسیدی، ضایعات سمی و اشکال دیگر آلودگی هوا، دریا و خاک. هدف امنیتی در اینجا حفظ محیط زیست فیزیکی سیره زمین و جلوگیری از وضعیت‌هایی است که باعث به خطر افتادن بقا و کیفیت حیات بشر می‌شود. هر دو جنبه امنیت محیطی رابطه تنگاتنگی دارند. مشکلات امنیتی در خصوص آلودگی، برای حکومت‌ها و اتباع آنها حالت فوری‌تر و مستقیم‌تری دارد، گرچه در کشورهای پیشرفته، مسئله آلودگی از درجه اولویت بالایی برخوردار است، اما کشورهای جهان سوم نیز در معرض تهدید نوعی دیگری از آلودگی قرار دارند (ماندل، 1377: 11).

زندگی انسان‌ها نیاز به شرایط آب و هوایی نسبتاً ثابتی دارد. انسان‌ها با مصرف انرژی

1. UN Conference on Environment and Development

حاصل از سوخت‌های فسیلی و تولید بیش از حد گازهای گلخانه‌ای توازن انرژی زمین را برهم می‌زنند. امروزه بیشتر جنبه‌ها و حوزه‌های زندگی بشری متأثر از افزایش گازهای گلخانه‌ای گشته است. این افزایش موجب افزایش دمای کره زمین طی قرن گذشته شده است و انتظار می‌رود طی 100 سال آینده افزایشی معادل 2 الی 11/5 فارنهایت داشته باشیم. این تغییرات کوچک در دمای زمین می‌تواند منجر به خطر بالقوه‌ای در تغییرات آب و هوایی کره زمین شود. زندگی ما امروزه به تغییرات اقلیمی بستگی دارد. در صحنه بین‌الملل مشاهده می‌شود که به مرور آثار این تهدیدات در روابط بین کشورها مشاهده می‌شود به‌عنوان مثال جنگ دارفور را می‌توان به‌عنوان اولین درگیری در حوزه تغییرات اقلیمی دانست. این تهدیدات علاوه بر بروز تنش‌های اجتماعی، ناآرامی‌های سیاسی و مخاصمات خشونت‌آمیز را نیز به دنبال خواهد داشت. مجموعه این افزایش دما و تغییرات شکل گرفته در وضعیت آب و هوایی در سطح بین‌المللی تغییرات اقلیمی¹ نامگذاری شده است. بنا بر تعریف تغییر اقلیمی به تغییر در شرایط و خصوصیات اقلیم یک محل در بلندمدت اطلاق می‌شود (کاظمی‌زاد، 1387: 18). البته رژیم‌های تغییرات اقلیمی بین‌المللی در خصوص تعریف تغییرات اقلیمی دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ از یکسو طبق بند 2 ماده 1 کنوانسیون چارچوبی ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی² «تغییرات اقلیمی تغییری است که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در اثر فعالیت‌های انسانی منجر به تغییر در ترکیبات جو جهانی می‌شود. این تغییرات از تغییرات طبیعی در آب و هوا که در دوره‌های زمانی مشابه مشاهده می‌شود متفاوت است» از طرف دیگر گروه دوم کاری «هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی»³ از واژه تغییرات اقلیمی در اشاره به «هر تغییری در آب و هوا در طی زمان که ناشی از تغییرات طبیعی یا فعالیت انسانی باشد» استفاده می‌کند (IPCC, 2011: 21). از این نظر تغییرات اقلیمی اخیراً به‌عنوان نتیجه ترکیبی است. رسیدن به توافق در انجام اقدامی بلند پروازانه در خصوص مقابله با تغییرات اقلیمی برای پیشرفت بشر در قرن بیست و یکم حیاتی است. اقدامات چندی در این خصوص در سطح جهانی صورت گرفته است؛ به نحوی که بزرگترین محفل بین‌المللی یعنی سازمان ملل و شورای امنیت به عنوان رکن امنیتی آن نیز این مسئله را در دستور کار خود به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده

1. Climate Change

2. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

3. Intergovernmental Panel on Climate Change

است. بروز این آثار و افزایش اهمیت موضوع سؤالات متعددی را در ذهن به وجود می آورد که آیا خطرات این تغییرات را می توانیم کاهش دهیم؟ با وجود یک اجماع علمی در بین دانشمندان، آیا این اجماع در خصوص تغییرات اقلیمی نیز در بین سیاستمداران جهان وجود دارد؟ راهبردها و اقدامات صورت گرفته توسط سازمان ملل با نیازهای کنونی جوامع بشری تناسب دارد؟ چالش اصلی سازمان ملل و جامعه بین المللی در خصوص تغییرات اقلیمی چیست؟ آیا شورای امنیت می تواند در خصوص کاهش تغییرات اقلیمی در آینده اقدامات اساسی را عهده دار گردد؟ چنانچه در خارج از سازمان ملل دولت ها اقدامات اساسی را به عمل نیاورند؛ آیا سازمان ملل و شورای امنیت می توانند دولت ها را مجبور به رعایت استانداردهای تغییرات اقلیمی جهانی بنمایند؟

اما مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که: سازمان ملل متحد به عنوان متصدی صلح و امنیت بین المللی در رابطه با این تهدیدات، تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟ در مقام پاسخ به سؤال بالا می توانیم بگوییم با توجه به اقداماتی که سازمان ملل متحد از جمله شخص دبیرکل انجام داده اند، می توانیم امیدوار به حل این معضل باشیم. ولی اینکه این کارها تا چه اندازه مثمر بوده است جای تردید وجود دارد و نیاز به اقدامات مؤثرتری احساس می شود.

الف) تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن

1. پدیده گازهای گلخانه ای و تأثیر آن بر دمای کره زمین

گازهای گلخانه ای شامل بخار آب، گازهای دی اکسید کربن، ازن، تروپوسفر، متان، اکسیدنیترژن و گازهای صنعتی (هالوکربن ها) هستند که به جز گازهای صنعتی بقیه گازها در اتمسفر زمین وجود دارند و به طور طبیعی در نتیجه فعل و انفعال های کره زمین ایجاد می شوند و در مجموع کمتر از یک درصد حجم اتمسفر کره زمین را در بر می گیرند این مقدار گاز برای ایجاد پدیده گلخانه ای به طور طبیعی دمای زمین را در شرایط مطلوب نگه می دارد. در نتیجه افزایش انتشار گازهای گلخانه ای و افزایش غلظت این گازها در اتمسفر زمین طی 100 سال گذشته سطح دریاها 10 تا 20 سانتی متر افزایش یافته است (پوراصغرسنگاچین، 1386: 5). این افزایش در نتیجه گرم شدن سیاره زمین است. متوسط دمای زمین طی قرن گذشته 1/4 فارنهایت گرمتر شده است و انتظار می رود طی 100 سال

آینده به 2 الی 11/5 فارنهایت برسد.

همچنین کره زمین یک افزایش دمایی 0/74 درجه سانتیگراد را از سال 1900 به‌علت افزایش گازهای گلخانه‌ای تجربه کرده است البته 70 درصد این افزایش طی سال‌های 1970 تا 2004 صورت گرفته است. این افزایش در یک سطح وسیعی طی چند دهه بعد نیز ادامه خواهد یافت. طبق بررسی‌های به عمل آمده هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی تا سال 2100 میانگین دمای کره زمین از 1/1 درجه سانتیگراد تا 6/6 درجه سانتیگراد خواهد رسید (Rajendra, 2007: 45). در این بین فعالیت‌های انسانی طی قرن گذشته مقدر زیادهای دی‌اکسید کربن و گازهای گلخانه‌ای را روانه اتمسفر نموده است. این اقدامات از طریق مصرف سوخت فسیلی برای تهیه انرژی، قطع درختان جنگلی، تغییر رویه‌های صنعتی و کشاورزی صورت پذیرفته است.

این تغییرات کوچک در دمای زمین می‌تواند منجر به خطر بالقوه‌ای در تغییرات آب و هوایی کره زمین شود. شواهد گویاست. تغییرات دمایی همراه با تغییرات در آب و هواست. اقیانوس‌ها و یخچال‌های طبیعی تغییرات زیادی را تجربه کرده است. اقیانوس‌ها گرم‌تر و اسیدی شده‌اند و یخچال‌ها ذوب شده و سطح آب‌ها در حال افزایش است. اثرات دیگر این امر شامل گرم شدن سطح آب دریا، تبخیر بیشتر و تغییر در شبکه غذایی دریایی می‌شود. بالا آمدن سطح آب دریاها موجب بروز رخداد‌های غیرمترقبه نظیر توفان‌های شدید، به زیر آب رفتن بسیاری از سکونت‌گاه‌های ساحلی به‌ویژه در کشورهای جزیره‌ای می‌شود. سیل و توفان‌های ویرانگر، خشکسالی شدید، بارش‌های شدید، مهاجرت‌های گسترده و خسارت‌های هنگفت اجتماعی و اقتصادی از دیگر پدیده‌هایی است که گرمایش کره زمین می‌تواند جامعه انسانی را در آینده با چالش مواجه سازد.

2. تأثیرات اجتماعی تغییرات اقلیمی در سطح بین‌الملل

تغییرات اقلیمی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین چالش‌های قرن 21 در سطح بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. بیشتر جنبه‌ها و حوزه‌های زندگی بشری متأثر از این تغییرات گشته است. تنوع زیستی، کشاورزی، منابع آب آشامیدنی، صنعت، بهداشت و خیلی از جنبه‌های دیگر زندگی متمدن بشر از این عامل متأثر گشته‌اند. افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای شدت و نوع تأثیرات تغییرات اقلیمی در سطح بین‌المللی سؤالات

اساسی را برانگیخته است. البته در سال‌های اخیر درک این تغییرات در سطح جهانی بهبود یافته است. تخریب طبیعت و افزایش فشارهای مربوط به محیط زیست موجب رشد تشکیل کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌های مربوطه در زمینه تغییرات اقلیمی شده است. اما خشکسالی‌های پی در پی، سیل و جریان هوای گرم که انتظار تشدید آن با تغییرات اقلیمی نیز قابل پیش‌بینی است، موجب جابه‌جایی میلیون‌ها نفر و کمبود مواد غذایی شده است. تغییرات در سنجش بارندگی، رطوبت و تغییرات دمایی تغییراتی را بر تنوع زیستی، اکوسیستم و بهداشت فردی و سبک زندگی مردم بر جای گذاشته است.

از دیگر آثار تغییرات اقلیمی بالا آمدن سطح آب دریا و گرم شدن کره زمین، وقوع سیل و غرق شدن احتمالی مناطق کم ارتفاع ساحلی است که این اتفاق ممکن است کشورهای واقع در اقیانوس آرام جنوبی و مناطق ساحلی آسیا را در معرض خطر قرار دهد. با این تغییرات و از دست رفتن توده زمین، مهاجرت اجباری پناهندگان تغییرات اقلیمی نیز رخ می‌نماید و شورای امنیت نیز این مهاجرت را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و این مسئله را مقدمه‌ای بر جنگ‌های قومی و داخلی می‌داند. تغییرات اقلیمی نیز موجب کاهش منابع آب و کاهش باران می‌گردد و این مسئله تولیدات بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده و فقر غذایی ایجاد می‌شود. برنامه محیط زیست سازمان ملل در گزارش ارزیابی جنگل زیست محیطی سودان علت بخشی از درگیری‌ها در دارفور را تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست دانسته است. در واقع این تغییرات موجب خشکسالی و بیابان‌زایی گردیده که موجب درگیری‌هایی نیز شده است. این تهدیدها روز به روز افزایش می‌یابد و صلح و امنیت بین‌المللی را در خطر گسترده قرار داده که این خطر جنگ آب می‌باشد (saul, 2009: 9).

تأثیر دیگر بی‌ثبات‌سازی سیاسی است که به احتمال زیاد در کشورهای جنوب در نتیجه تغییرات اقلیمی ایجاد خواهد شد. به‌ویژه تأثیرات منفی مواردی که شاهد بوده‌ایم و یا در آینده رخ خواهند داد. این تأثیرات در نواحی شهری کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته که بیشترین تمرکز جمعیتی و دارای خطرات بالا هستند توصیف شده است. تغییرات اقلیمی همچنین در ارتباط با حقوق بشر و حقوق ملت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و پایه‌ای برای تهدید دسترسی به آب آشامیدنی، دسترسی به مسکن مناسب و مبنایی برای نقض حاکمیت دولت‌های عضو سازمان ملل متحد محسوب می‌شود (UIO, 2013: 8-9).

در این میان تغییرات اقلیمی که یک تهدید جهانی جدی محسوب می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار است که از آن به «تهدید نرم» یاد شده است (Gupta, 2008: 1)، تأثیرات فرامرزی و فرامنطقه‌ای نیز دارند به‌عنوان مثال در شاخ آفریقا این تأثیرات مشهود است. تأثیرات فراقاره‌ای نیز در حال افزایش است به‌عنوان مثال این تغییرات باعث افزایش مهاجرت از قاره آفریقا به قاره اروپا شده است. شهرهای ساحلی اغلب مستقیماً تحت وقایع و فشارهای محیطی آسیب‌پذیرند و این همراه با پیامدهای اقتصادی و سیاسی در سطح ملی خواهد بود. اگرچه تأثیرات تخریبی فوری باشند اما صدمات وارده طی زمان آشکار خواهد شد. وابستگی مردمان جوامع بومی به منابع طبیعی باعث افزایش فقر آنها خواهد شد. هرچند اخیراً توجهات به سمت شهرها معطوف شده است ولی تحلیل‌ها نشان می‌دهد ما اطلاعات کمی در خصوص سیستم‌های در حال گرم شدن، تشخیص مناطق پرخطر، تشخیص ارتباط بین تغییرات اقلیمی و فقر شهری، تنظیم و تصویب طرح‌های اقدام داریم. تأثیرات تغییرات اقلیمی در همه مناطق جهان یکسان نیست. کشورهای فقیر جهان که کمترین نقش را در تولید گازهای گلخانه‌ای دارند به‌طور متناقضی بیشترین تأثیر را از این پدیده می‌پذیرند. به همین دلیل است که اعتبارات ویژه‌ای برای کمک به کشورهای فقیر در واکنش به تأثیرات این پدیده اختصاص یافته است. در بروز چنین پدیده‌هایی کشورهای که از نظر ساختاری و اقتصادی در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند میزان آسیب‌پذیری بالایی دارند.

3. سیر تکامل مناظرات بین‌المللی در خصوص تغییرات اقلیمی

اقدامات زیادی در سطح بین‌الملل در خصوص تغییرات اقلیمی در محافل مختلفی صورت پذیرفته که به‌طور مختصر اشاره‌ای به آن خواهیم داشت:

- در اولین کنفرانس آب و هوایی ژنو 1979 بر تغییرات اقلیمی به‌عنوان یک معضل ضروری مطلق در سطح بین‌المللی اشاره شد که خواستار پیش‌بینی و توجهات بیشتر دولت‌ها به خطرات آب و هوایی است. در همان زمان برنامه آب و هوایی جهانی با همکاری «سازمان هواشناسی جهانی»¹ و «برنامه محیط زیست سازمان ملل»² و «شورای

1. World Meteorological Organization (WMO)

2. United Nation Environment Programm (UNEP)

بین‌المللی اتحادیه‌های علمی¹ شروع به کار کرد. یکسری کنفرانس‌های بین‌الدولتی نیز در خصوص تغییرات اقلیمی نیز متعاقب آن تشکیل شد.

- در سال 1988 در تورنتو کنفرانس تغییرات جوی با حضور 46 کشور برگزار گردید که در آن ضرورت توسعه یک چارچوب کنوانسیون برای حمایت از آب و هوا احساس شد.

- در همان سال 1988 سازمان هواشناسی جهانی و برنامه محیط زیست سازمان ملل، هیئت بین‌الدولتی تغییرات اقلیمی را برای ارزیابی کلیت و سرعت تغییرات، تأثیرات آن و استراتژی‌های مقابله با آن را پایه‌گذاری کردند.

- در سال 1990 دومین کنفرانس جهانی آب و هوا و هیئت بین‌الدولتی خواستار معاهده‌ای برای تغییرات اقلیمی شدند. متعاقب آن مذاکرات مجمع عمومی سازمان ملل پیرامون یک کنوانسیون چارچوبی آغاز به کار کرد.

- در کنفرانس سران زمین در ریودو ژانیرو و 1992، کنوانسیون چارچوبی سازمان ملل برای تغییرات اقلیمی همزمان با کنوانسیون‌های خواهرخوانده (کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل) و (کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زدایی سازمان ملل) برای امضا به کشورها عرضه شد. کنوانسیون چارچوبی سازمان ملل برای تغییرات اقلیمی در سال 1994 اجرایی شد و دبیرخانه آن برای حمایت اقدامات کنوانسیون تأسیس گردید.

- پروتکل کیوتو به‌طور رسمی در دسامبر سال 1997 تصویب و در سال 2005 اجرایی شد. کشورهای صنعتی و آن دسته از کشورهای در حال‌گذار به اقتصاد بازاری (192 کشور) متعهد به رسیدن به کاهش انتشار گازها به 5/2 درصد طی سال‌های 2012-2008 هستند (معروف به دوره اول)

- در سال 2001 توافقات مراکش به همراه جزئیاتی در خصوص اجرای پروتکل کیوتو توسط اعضای کنفرانس اتخاذ شد که شامل تنظیم ابزارهای مالی و برنامه‌ریزی جدید و ایجاد یک چارچوب انتقال فناوری بود.

- سال 2007 نقشه راه بالی تنظیم شد. سال 2010 توافقات کنکون و سال 2011 خط مشی دوربان اتخاذ شد

- سال 2012 اصلاحیه دوحه شامل: 1- تعهداتی جدید برای اعضای ضمیمه 1

پروتکل کیوتو اتخاذ شد مبنی بر توافق بر تعهداتی در دوره زمانی تعهد از 2013 تا آخر 2020؛ 2- یک لیست بازبینی شده از گازهای گلخانه‌ای بایستی در دومین دوره تعهدات توسط اعضا گزارش گردد؛ 3- اصلاحاتی نسبت به چندین ماده پروتکل متعلق به اولین دوره تعهدات و آنهایی که نیازمند به روز رسانی برای دوره دوم تعهدات هستند، اتخاذ شد. - سال 2013 توافقات ورشو و سال 2014 اجلاس سران لیما در پرو تشکیل شد. - سال 2015 توافق پاریس در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار و به‌عنوان یک نقشه راه برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ایجاد انعطاف‌پذیری تغییرات اقلیمی حاصل گردید.

4. نقش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی

هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی توسط سازمان جهانی هواشناسی و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد در سال 1988 تأسیس شد. هدف اصلی آن بررسی اطلاعات علمی، فنی و اجتماعی و اقتصادی مربوط به تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت انسان درک، اثرات بالقوه تغییر آب و هوایی و گزینه‌های برای کاهش و سازگاری بوده است. این هیئت تاکنون چهار گزارش ارزیابی، دستورالعمل روش توسعه یافته برای موجودی ملی گاز گلخانه‌ای، گزارش‌های ویژه و مقالات فنی ارائه نموده است. این هیئت سه گروه کاری و یک نیروی ویژه اجرایی دارد

- گروه کاری اول¹ (WGI) که علم تغییرات اقلیمی را بررسی می‌کند.
 - گروه کاری دوم² (WG II) که سازگاری، تأثیرات و انطباق با تغییرات اقلیمی را بررسی می‌کند.
 - گروه کاری سوم³ (WG III) که کاهش گازهای گلخانه‌ای را بررسی می‌کند.
 - نیروی ویژه اجرایی (TFI) موجودی گازهای گلخانه‌ای ملی را بررسی می‌کند.
- نیروی ویژه اجرایی در سال 1998 توسط هیئت تغییرات اقلیمی چهاردهمین جلسه خود برای نظارت بر برنامه موجودی گازهای گلخانه‌ای تشکیل گردید. این برنامه که از سال 1991 توسط گروه کاری اول هیئت که در همکاری نزدیک با سازمان همکاری

1. Working Group I (WG I)
2. Working Group II (WG II)
3. Working Group I (WG I)

اقتصادی و توسعه¹ و آژانس بین‌المللی انرژی² انجام شده است. اهداف این نیروی ویژه عبارتند از:

- توسعه و بهبود روش بین‌المللی مورد توافق و نرم‌افزاری برای محاسبه و گزارش از انتشار گازهای گلخانه‌ای ملی و از بین بردن آنها.

- تشویق استفاده گسترده از این روش توسط کشورهای شرکت‌کننده در هیئت بین‌الدولی و امضاکنندگان کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی

در سال 2007 و در راستای اقدامات مفید و سازنده هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی جایزه صلح نوبل به این هیئت به همراه آقای «ال گور» معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا اعطا شد. در این راستا رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل اعلام کرد که اعطای جایزه نشان می‌دهد که تغییرات آب و هوایی برای صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد. ایشان در ادامه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد کمیته جایزه صلح نوبل امروز این نکته را به ما فهماند که مبارزه با تغییرات آب و هوایی سیاستی اساسی برای صلح و امنیت در قرن بیست و یکم به حساب می‌آید (همشهری آنلاین، 7 اسفند 93).

ب) اقدامات سازمان ملل متحد

1. تحول مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

در گذشته امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد اما پس از انعقاد قرارداد صلح وستفالی در سال 1648 و شکل‌گیری نظام دولت-ملت، مفهوم امنیت ملی در روابط بین‌المللی مطرح شد و با گذشت زمان مفهوم امنیت بین‌المللی نیز پا به عرصه حیات گذارد. این موضوع امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شود. به تبع محدود بودن مفهوم صلح، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز در گذشته محدود بود و از مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رفت و مبتنی بر امنیت ملی دولت‌ها بود. لذا استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها مهم‌ترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد. از منظر این دیدگاه، دولت‌ها، هم منشا اصلی تهدید تلقی می‌شدند و هم مسئول برقراری امنیت، و تأمین امنیت

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

2. International Energy Agency

بین‌المللی نیز منوط به تأمین امنیت ملی بود. اما با آغاز عصر جهانی شدن امنیت بین‌المللی نیز به تدریج مفهوم وستفالیایی خود را از دست داد. دیگر منشأ بسیاری از تهدیدات نه دولت‌ها بلکه عوامل و اشخاص دیگری تلقی می‌شدند. ماهیت تهدیدات نیز از نظامی به ابعاد دیگری همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تسری یافت. افزایش جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، توسعه فقر، تخریب محیط زیست و گرم شدن کره زمین از جمله عوامل تهدید در دنیای معاصر تلقی می‌شوند. در این زمینه باری بوزان تهدیدات امنیتی را در پنج بعد مورد بررسی قرار داده است:

الف) تهدیدات سیاسی؛ از نظر وی تهدیدات سیاسی در سطح داخلی ناظر به مسائلی چون فقدان دموکراسی و بی‌ثباتی حکومتهاست. در سطح بین‌المللی نیز ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل ایجادکننده تهدیدات تلقی می‌شوند.

ب) تهدیدات اقتصادی؛ وی معتقد است فقر و توسعه‌نیافتگی مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی است که در بسیاری از موارد، سوء مدیریت نظام سیاسی داخلی آنها را تشدید می‌کند.

ج) تهدیدات اجتماعی؛ وی می‌گوید تهدیدات اجتماعی و فرهنگی غالباً ریشه در عوامل اقتصادی دارد. معضلاتی چون مهاجرت‌های بی‌رویه غیرقانونی، بی‌سوادی، مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، چالش‌هایی هستند که می‌توانند سبب بروز ناامنی و تهدید صلح شوند.

د) تهدیدات نظامی؛ تهدیدات نظامی از زمان‌های دور به‌عنوان تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی مطرح بوده‌اند. امروزه تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و اختلافات ارضی کشورها با یکدیگر نیز به این تهدیدات افزوده شده است.

ر) تهدیدات زیست‌محیطی: از نظر وی، گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه ازن و تغییرات اقلیمی، از بین رفتن تدریجی جنگل‌ها خصوصاً جنگل‌های بارانی، بروز خشکسالی و کم شدن آب شیرین، آلودگی رودخانه‌ها که انسان، عامل مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از آنهاست، تهدیداتی است که ممکن است در آینده نه‌چندان دور سبب تهدیدات نظامی نیز بشود.

بسیاری از کشورها این تغییرات را در دستور کار امنیتی خود قرار داده و به آن جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی خود بخشیده‌اند. در متن سند راهبردی امنیت ملی

ایالات متحده در 2015 نیز تغییرات اقلیمی در کنار سایر موارد به عنوان یکی از تهدیدات جدید امنیتی معرفی شده است. همچنین هیئت عالی رتبه در خصوص تهدیدها، چالش‌ها و تغییرات که به منظور تعریف دوباره مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد تشکیل شد، فرسایش و تحلیل زیست محیطی را به مثابه تهدیدی بالقوه برای امنیت بین‌المللی مورد شناسایی قرار داد (HLPTCC Report, 2004) در گزارش هیات مذکور، تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های زیست محیطی شناخته شد که جامعه بین‌الملل در حال حاضر با آن روبه‌رو است. همان‌طور که اشاره کردیم، صلح مساوی با عدم برخورد نظامی نیست بلکه تغییرات اقلیمی به همراه دیگر عوامل جدید به عنوان زمینه‌ساز تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند. در این دیدگاه حتی مداخله در امور داخلی دولت‌ها نه تنها غیرقانونی نیست، بلکه زمینه‌ساز صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. بر اساس چنین تفسیری از صلح و امنیت بین‌المللی بوده است که شورای امنیت تغییرات اقلیمی را تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است. شورای امنیت علاوه بر این تخریب محیط زیست، تروریسم و حتی بیماری ایدز را نیز به عنوان تهدیدات جدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نموده است (بوزان، 1378: 34). در صحنه بین‌الملل مشاهده می‌شود که به مرور آثار این تهدیدات در روابط بین کشورها مشاهده می‌شود به عنوان مثال جنگ دارفور را می‌توان به عنوان اولین درگیری در حوزه تغییرات اقلیمی دانست که در این راستا بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد اظهار داشته است: «ریشه این جنگ خشکسالی، کمبود زمین‌های زراعی و آب می‌باشد (Saul, 2009: 5).

2. شورای امنیت و صلاحیت آن در بررسی موضوع تغییرات اقلیمی

شورای امنیت در اجرای وظیفه اصلی خود طبق بند 1 ماده 24 منشور صراحتاً حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد. اختیارات ویژه‌ای که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار شده در فصول 6، 7، 8 و 12 بیان شده است. شورای امنیت نقش میانجی‌گری و در چارچوب فصل هفتم به عنوان مجری نظم عمل می‌کند. تهیه کنندگان منشور، عامدانه موارد نقض صلح و تهدید صلح را تجاوز تعریف نموده و تعیین هرکدام از وضعیت‌های یاد شده را در اختیار شورای امنیت نهاده‌اند. رویه شورای امنیت هم موید این است که نه تنها خود را رکن ذیصلاح در تعیین و شناسایی تهدید علیه صلح، نقض صلح و

عمل تجاوزکارانه می‌داند بلکه آن را حق خود محسوب می‌کند. اما در سال‌های اخیر که شورای امنیت تفسیر موسعی از صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورده است این سؤال مطرح شده که حدود و اختیارات شورای امنیت تا کجاست. آیا این شورا در تعیین تهدید مقید به رعایت قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل است یا اینکه تجاوز و نقض صلح و تهدید صلح هیچ‌گونه محدودیتی ندارد. هرچند طبق یک دیدگاه، شورای امنیت در انجام وظایف ناشی از فصل هفت هیچ محدودیتی ندارد و تشخیص شورا مقید به حقوق بین‌الملل نیست (Kelsen, 1951: 294).

اگرچه تلاش برای ایجاد هماهنگی در همکاری‌های صلح‌آمیز بین‌المللی بین دولت‌ها پدیده جدیدی نیست. ابزارهای در اختیار شورای امنیت برای بهبود کارایی مداخله بحران آب و هوایی مناسب است. رویکرد اخیر تأسیس موافقتنامه‌های سازمان ملل همچون موافقتنامه کیوتو در رسیدن به تغییر معنادار و مطلوبیت بین‌المللی ناکارآمد هستند. درگیری اعضای شورای امنیت باعث اجبار بقیه کشورها در رعایت موافقتنامه‌های سازمان ملل خواهد شد.

در اولین نشست شورای امنیت در خصوص تاثیر تغییرات اقلیمی بر صلح و امنیت بین‌المللی در 17 آوریل 2007 نمایندگان 55 کشور حضور پیدا کردند. در واقع اولین دستاورد این مذاکرات، برگزاری خود این نشست بود زیرا هدف اصلی انگلستان از طرح این بحث در شورای امنیت، افزایش آگاهی کشورهای جهان به این مسئله بود. برخی در این زمینه بسیار محتاط عمل کرده و صریحاً اعلام نمودند که تنها علت موافقت ایشان با طرح این مسئله در شورای امنیت این است که انتظار نمی‌رود این مباحث نتیجه یا اقدام مستقیمی به دنبال داشته باشد. همین ملاحظات باعث شد که برخی کشورها بررسی مسئله تغییرات اقلیمی را در صلاحیت شورای امنیت ندانسته و سایر نهادهای سازمان ملل را متولی این امر بدانند.

کشورهایی که اساساً با طرح مسئله پیامدهای امنیتی تغییرات اقلیمی در دستور کار شورای امنیت موافق بودند، این مسئله را جزیی از سیاست پیشگیری از وقوع مخاصمات می‌دانستند که خود ابزاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. در میان این گروه، کشورهای اروپایی، کشورهای جزیره‌ای کوچک و برخی از کشور های در حال توسعه که به نوعی قربانی تغییرات اقلیمی بودند نظیر بنگلادش، حضور داشتند. این

کشورها در واقع به تفسیر نسبتاً موسعی از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی قائل بودند. با این حال در میان همین گروه نیز طیفی از رویکرد های متفاوت قابل ملاحظه است. برخی کشورها نظیر انگلستان بر این عقیده بودند که علت اصلی طرح این بحث در شورای امنیت چنان‌که اشاره شد افزایش توجه و آگاهی جهانی نسبت به مسئله تغییرات اقلیمی است. رویکرد دوم در میان کشورهای این گروه مبتنی بر اصل پیشگیری بود. برای نمونه آلمان و فرانسه بر این باور بودند که تغییرات اقلیمی، بخشی از سیاست پیشگیری از مخاصمات است و بنابراین باید در مفهوم موسعی از دیپلماسی پیشگیری مورد بررسی قرار گیرد. بدین سان این کشور ضمن برداشت موسع از مفهوم امنیت بین‌المللی، خواهان اتخاذ یک رویکرد کلی‌نگر از سوی جامعه بین‌المللی بودند که بر اساس آن، مسئله تغییرات اقلیمی با سایر مسائل امنیتی نظیر فقر، کمبود آب یا بیماری‌های فراگیر، ارتباط مستقیم پیدا می‌کرد.

اما رویکرد کشورهای جزیره‌ای کوچک که بیش از دیگران نسبت به تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر هستند، این بود که این مسئله دارای ابعاد امنیتی آشکاری بوده و شورای امنیت نه تنها باید آن را در دستور کار خود قرار دهد، بلکه باید در اسرع وقت اقدامات مقتضی در این زمینه را اتخاذ نماید (موسوی، 1392: 184-183).

در نهایت، نقشی که شورای امنیت در این زمینه ایفا کرد بیشتر یک نقش توصیه‌ای بود تا یک نقش فعال که البته این مطلب با توجه به تمرکز این شورا بر مسئله پیشگیری در این زمینه و همچنین نحوه برخورد این شورا با تهدید های غیر نظامی، قابل توجیه است. در طول این مذاکرات، تغییرات اقلیمی به عنوان عامل اولیه در وقوع مخاصمات یا عامل شتاب بخش یا تشدید کننده آنها تلقی شد. بر این اساس جامعه بین‌المللی باید هر چه در توان دارد در پیشگیری از تهدید غیر نظامی نظیر ایدز یا تغییرات اقلیمی که ممکن است منجر به وقوع مخاصمه فعال شده و تهدید امنیتی در مفهوم سنتی آن را به دنبال داشته باشد، به کار بندد.

3. نقش دبیرکل سازمان ملل

مسئله تغییرات آب و هوایی بسیار مورد علاقه شخص دبیرکل سازمان ملل آقای بان کی مون است. ایشان این موضوع را «معضل عصر ما» نامیده‌اید. ایشان اخیراً در راهپیمایی

برگزار شده نیویورک در بین جمعیت بیش از صد هزار نفری مردم پیوسته مدعی رساندن پیامی به تمام جهانیان بود. ایشان در مصاحبه با خبرگزاری یورو نیوز در خصوص اهمیت توجه و اقدام عاجل بین‌المللی تغییرات اقلیمی چنین بیان داشتند: «اکنون زمان عمل کردن است. اگر ما اکنون اقدام نکنیم باید بهای بیشتری پردازیم. این جهان ماست و سیاره ما در حال سوختن است. به‌خاطر سعادت و کامیابی، باید این سیاره را برای نسل‌های آینده از نظر اجتماعی و اقتصادی با محیط زیست سازگار کنیم. این جهان ما و جهان نسل‌های آینده ماست. ما باید مسئولیت اخلاقی و سیاسی داشته باشیم» (Euronews, 2014/9/23).

تحت مدیریت ایشان تاکنون چندین کنفرانس اقلیمی برگزار شده است که مباحث کاهش انتشار گازها، مباحث مالی و تکنولوژی و سازگاری را مورد خطاب قرار می‌داد. نخستین کنفرانس اعضا در بالی اندونزی سال 2007، کانکون 2010 و دوربان 2011 برگزار شده است. ایشان کنفرانس‌هایی از قبیل انرژی پایدار برای همه 2012 و چالش جهان بدون و مراقبت برای آب و هوا و کنفرانس توسعه پایدار سازمان ملل (ریو 20) در 2012 نیز به ابتکار ایشان تشکیل شده است.

دبیرکل بازدهایی نیز از قطب جنوب و پاتاگونیا شیلی در سال 2007 در خصوص تغییرات آب و هوایی و دیگر نقاط جهان داشته است. سایت رسمی سازمان ملل نیز متأثر از دستورات دبیرکل اقدام در خصوص تغییرات اقلیمی را مسئولیت تک تک افراد بشری معرفی نموده و خواستار اقدام از طریق سایت‌های اجتماعی و اینترنت جهت افزایش سطح آگاهی عمومی در اتخاذ اقدامات لازم می‌باشد.

4. آینده و دورنمای اقدامات پیشگیرانه تغییرات اقلیمی

رئیس‌جمهور سنت کیتس و نویس در 28 سپتامبر 2012 مطرح کرد که انرژی پاک بایستی اولویت مطلق جهانی اطلاق گردد. احساساتی که در جلسه انرژی پایدار برای همه ابتکارات مجمع عمومی منعکس گردید (UIO, 2013: 47-48).

برای جلوگیری از پیشرفت اثرات زیانبار تغییرات اقلیمی، باید یک خط‌مشی اساسی در سطح جهانی اتخاذ و به سرعت عملیاتی شود. برای نمونه، رژیم بین‌المللی تغییرات اقلیمی باید تضمین نماید که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، که یکی از عوامل اصلی بروز این تغییرات است، تا اواسط قرن بیست و یکم، تا نصف آن چیزی که امروزه مشاهده

می شود کاهش پیدا کند. این خط مشی بین المللی باید به طور موازی با تغییر در ساختار قدرت در نظم سیاسی جهان همراه شود.

طی یک یادداشت رسمی توسط دولت آلمان در سال 2011، یک طرح کلی ارائه شده بود که چگونگی برخورد شورای امنیت با فرض مسئولیت های جدید مربوط به بحران تغییرات اقلیمی پرداخته شده بود. این طرح کلی چندین سناریو برای مواجهه با معضلات ترسیم شده بود: این سناریوها عبارت بودند از: مقابله با تأثیرات افزایش دمای و بالا آمدن سطح دریاها، چگونگی مواجهه با آوارگان ناشی از تغییرات، چگونگی جلوگیری از وقوع منازعات در بخش هایی از آسیا و آفریقا که کمبود غذا مشهود خواهد بود، تشخیص مشکلات جدیدی که شورا می بایستی با آنها مواجه گردد (S/2011/408). دیگر مفسران نیز این احساسات را انعکاس داده اند؛ با ایراد پیشنهادهای از قبیل برنامه ریزی درست، آمادگی برای فجایع، توسعه یک فهم همگانی برای خطرات ویژه در قبال ملت ها و فهم جامعه بین المللی به عنوان یک کل. شورای امنیت بایستی ایجاد موافقتنامه های بین المللی را تسهیل نماید که دولت ها را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای متعهد سازد. چند پیشنهاد دیگر نیز در مجمع عمومی سازمان ملل در همین راستا مطرح شده است.

بزار دیگر سازمان ملل در مقابله با این مسئله، دیوان بین المللی دادگستری است که با اعمال صلاحیت می تواند راه حلی بر این موضوع باشد و فصل هفتم منشور نیز می تواند ضمانتی برای اجرای آرا باشد (احمدپور، 1380: 55-53).

کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی نیز به عنوان یکی از سند های مهم حقوق بین الملل همکاری وسیع کشورها و مساعدت بین المللی را خواهان است. با این وصف در خصوص مقابله با تغییرات اقلیمی بهتر است گزینه نظامی انجام نشود چرا که جنگ ماهیتاً و ذاتاً مضر است؛ چنانکه اعلامیه ریو اذعان می دارد که جنگ ذاتاً مخرب است و صلح و توسعه و حفاظت از محیط زیست را به خطر می اندازد (sindico, 2007: 37). بنابراین اقدامات نظامی به منظور مبارزه با تغییرات اقلیمی برخلاف اصول حمایتی در معاهدات بین المللی تغییرات اقلیمی است و ماده 42 منشور نمی تواند راهکار مناسبی برای مقابله با این تغییرات باشد چرا که عدم وجود جنگ و درگیری نظامی میان کشورها به خودی خود تضمین کننده صلح و امنیت بین المللی است و تنها محدودیتی که شورای امنیت بایستی به آن پایبند باشد محدوده شرایط ماده 39 منشور است.

نتیجه‌گیری

یک اجماع محکمی در محافل علمی وجود دارد که تغییرات اقلیمی در حال وقوع بوده و فعالیت‌های انسانی نقشی اساسی در این روند ایفا می‌کنند. بر اساس پنجمین گزارش ارزیابی هیئت بین‌الدولی تقریباً این نقش مشمول بر 95 درصد می‌گردد. در حالی که هیچ اختلافی در خصوص نقش عامل انسانی در بین دانشمندان بر این قضیه وجود ندارد، بلکه مباحث بین‌المللی در صدد بررسی این امر هستند که آب و هوا چه پاسخی به روند افزایشی سطح گازهای گلخانه‌ای جوی طی زمان و در مناطق مختلف جهان خواهد داشت. اگر مسئله تغییرات اقلیمی در سطح بین‌الملل به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی شناخته شود می‌تواند باعث ایجاد امید در یکپارچگی اقدامات از طریق ایجاد و سازوکارهای همکاری در برخورد با آثار مخرب آن گردد. در غیر این صورت تغییرات اقلیمی به تعارض و درگیری‌ها در عرصه روابط بین‌الملل عمق بیشتری بخشیده و موجب شروع مخاصمات بین‌المللی بر سر توزیع منابع آب، زمین و مدیریت مهاجرت و یا بحث جبران خسارت بین دولت‌هایی خواهد شد که مسئول اصلی تغییرات اقلیمی به‌شمار می‌روند و کشورهایایی که متأثر از اثرات مخرب آن هستند.

روند شکل‌گیری محافل و رژیم‌های بین‌المللی حاکی از افزایش اطلاع‌رسانی همگانی و نواختن زنگ خطر تأثیرات تغییرات اقلیمی در سطح جهان دارد و به مرور از سوی جامعه جهانی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. اما این اقدامات علاوه بر کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی که به‌صورت سالانه برگزار می‌گردد، در سازمان ملل نیز اقدامات مشابهی در راستای هنجارسازی و آگاهی‌سازی به عمل آمده است که این اقدامات را شخص دبیرکل علاقمند و پیگیر هستند. شدت پیامدهای تغییرات اقلیمی به طرح این مسئله به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی از سال 2007 در دستور کار شورای امنیت انجامیده است. بنظر می‌رسد در عین حال که شورای امنیت به بحث تغییرات اقلیمی و مسائل مربوط به ثبات و امنیت اقلیمی می‌پردازد، تمرکز اولیه دیپلمات‌ها در آینده باید متوجه مذاکرات مربوط به کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو باشد.

برخلاف اینکه کشورهای شرکت‌کننده در مذاکرات دستور کار تغییرات اقلیمی شورای امنیت در وقوع تغییرات اقلیمی به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی،

اجماع نظر دارند ولی در خصوص نحوه مقابله با خطرات و صلاحیت شورای امنیت در بررسی تهدیدات این تغییرات دچار اختلاف نظرهایی هستند. این اختلافات ناشی از نوع دیدگاه‌های این کشورهاست. در بین کشورها برخی مسئله را جزیی از سیاست پیشگیری از وقوع مخاصمات و برخی دیگر معتقد به اصل پیشگیری در تغییرات اقلیمی هستند. اما گروه سوم که بیشترین تأثیرات را در آینده پذیرا خواهند بود، علاوه بر فهم امنیتی مسئله معتقد به اقدام فوری در این زمینه هستند. اما در عمل این اقدامات همواره با موانعی روبه‌رو بوده است. برای مثال کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو که سکویی برای اقدامات جهانی در این زمینه به شمار می‌رود، تا حد زیادی به دلیل مخالفت آمریکا نسبت به کاهش اجباری انتشار، که در ضمیمه اول پروتکل کیوتو مقرر شده، با مانع روبه‌رو شده‌اند. شورای امنیت بایستی ایجاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را تسهیل نماید که دولت‌ها را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای متعهد سازد. در این زمینه می‌تواند از ابزارهای کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی و حتی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بهره‌مند گردد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

1. احمد پور، فلاح (1380). مجموعه قوانین و مقررات بنیادین نظام بین‌المللی، تهران: انتشارات قدیس.
2. بوزان، باری (1378). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده راهبردی.
3. پوراصغر سنگاچین، فرزام (1386). نگاهی اجمالی به کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو، هفته‌نامه برنامه، سال ششم، شماره 258.
4. کاظمی‌زاده، مظفر (1387). تغییرات آب و هوایی و سلامت انسان، مجله رشد، شماره 1.
5. ماندل، رابرت (1377). چهره‌متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
6. موسوی، سید فضل‌ا... و معصومه سادات میرمحمدی (1392). تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 49.
7. سایت همشهری آنلاین، 7 اسفند 93، به آدرس:
www.hamshahrionline.ir/details/weather/globe/151462
8. مصاحبه با دبیرکل سازمان ملل متحد (2014/9/23). تهیه‌کننده Isabelle Kumar در سایت:
<http://persian.euronews.com/2014/09/23/euronews-speaks-to-ban-ki-moon-ahead-of-key-un-and-climate-change-talks/>

ب) منابع لاتین

1. Gupta, Sonia (2008) , Environmental Law and Policy: Climate Change as a Threat to International Peace and Security, cited at www.perspectivesonglobalissues.com/0401/.
2. IPCC (2011) , Renewable Energy Sources and Climate Change Mitigation, United Nation Intergovernmental Panel on Climate Change.
3. Kelsen, Hans (1951) , The Law of the United Nations, New York: Pager In.
4. Rajendra, K. Pachauri, Reisinger, Andy (IPCC) , Climate Change 2007: Synthesis Report: Contribution of Working Groups I, II and III to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change, IPCC, Geneva, 2008.
5. Report, High-Level Panel on Threats, Challenges and Change, A More Secure World: Our Shared Responsibility, New York 2004, Part B, Synopsis.
6. Saul, Ben (2009) "Climate Change Conflict and Security: International Law Challenges ". New Zealand Armed forces Law Review, vol 9.
7. Sindico, Francesco (2007) "Climate Change: A security (Council) Issue?" CCLR ,

Hein online carbon & climate L, Rev, vol. 29.

8. UIO working paper (2013) , The UN Security Council and Climate Change: rising seas levels, shrinking resources and the green helmets, Oslo: Uio Press.
9. UN doc (2000) , UN/S/RES/1318, 7 September 2000.
10. UN doc (2007) , UN/S/2007/186, 5 April 2007.
11. UN doc (2011) , UN/S/2011/408, 5 July 2011.